

خانه‌تکانی

پیش از نوروز جشن فروردگان

ا. و. میر

یکی از جشنهای کهن پیشینه‌ی ایران بود. جشنی که تا امروز نیز به گونه‌ی نمادین و بی‌گفتن یا شاید ندانستن- نام آن، در میان ایرانیان نهادینه شده و همه ساله مردم آن را به خوبی و خوشی و شادمان و خوشدل انجام داده و برگزار می‌کنند.

جشن فروردگان چنانکه گفته و نوشته‌اند، برای بزرگداشت و یاد بود از فروشی‌های نیاکان، خانواده و بستگان نزدیک و نیز آرزوی شادمان کردن و خوش آمد گویی به آنان بوده، که همگان در آن روزگار همچون امروز به شیوه‌های آیینی خودشان برگزار و بر پا می‌داشتند.

در این باره شاید نیاز به آن باشد که نیم‌نگاهی نیز به ساختار زیرین و بنیاد راستین این جشن باستانی و همگانی ایرانیان داشته باشیم که گستره‌ی دیدگاههای آیینی و مردمی آن را اندکی روشن‌تر سازد.

چنانچه در اوستا می‌توانیم دید و برسید؛ آفریدگار هستی بخش برای هر آفریده‌ی خود در جهان مینوی، پیش از زایش او (۳)، یک نیروی درونی را بنیاد نهاده که پس از زاییده شدن و آمدن به جهان هستی به او می‌پیوندد و تا پایان زندگی آن آفریده در او بر جای خواهد ماند. سپس هنگام مرگ و پایان یافتن زندگانی آن آفریده، دوباره با همان پاکی و پاکیزگی ایزدی به جهان مینوی یا همان جایگاه پیشین خود، باز خواهد گشت و همچنان پاک و جاودانه در آنجا خواهد ماند.

این نیروی درونی، هیچ‌گاه آن‌کالبدی را که از آن او بوده و در آن جای داشته چنانچه با پاکی و پاکیزگی زیسته باشد نه تنها فراموش نخواهد کرد که همه ساله در این ده روز پایانی سال به یاد او درست در همانجایی که از تنش بیرون آمده فرود می‌آید و از بازماندگان آن در گذشته دیدار می‌کند و هر چه آنها بهتر، تندرست‌تر و در کار و پیشه، پیشرفته‌تر و کامیاب‌تر باشند، شادمان‌تر خواهد شد و آرزوی بهی و خوبی و کامیابی بیشتر برای آنان می‌کند.

بازماندگان آن در گذشته نیز برای خوشامد هر چه

ایرانیان به ویژه بانوان چنانکه همه می‌دانیم و به خوبی با آن آشنا هستیم- همه ساله پیش از نوروز، کوشش دارند با ریزبینی ویژه‌ی خود که گاه در برخی از آنان بیشتر همانند یک دلشوره است؛ به‌کار پاکیزگی خانه یا چنانکه گفته می‌شود به خانه‌تکانی بپردازند و پیش از جشن نوروز خانه‌ی خود را از هر چه غبار و آلودگی است پاک سازند و چیزهای به درد نخور خود را نیز یا به کسانی که نیاز دارند بدهند یا از خانه‌ی خود به دور بریزند، به گونه‌ی که خاکروبه‌ی سال پیش را هم که در کیسه ریخته‌اند به بیرون از خانه می‌برند؛ که از سال پیش چیزی در خانه نمانده باشد. به ویژه تلاش آنها بیشتر برای آن است که همه‌ی این کارها پیش از رسیدن سال نو به انجام برسد و هنگام نوروز خانه‌ی آنها از هرگرد و غبار و ناپاکی دور باشد. خانه را رنگ می‌کنند، فرش و گلیم خود را می‌شویند، برای خود و فرزندان از کفش گرفته تا کلاه و از پوشیدنی تا نوشیدنی هر چه باشد نو و زیبا فراهم می‌کنند که هنگام بر آمدن نوروز و سال نو، تازگی و پاکیزگی بر همه‌ی خانه سایه افکن باشد.

شاید یکی از ما بپرسد که: چرا مردم و خانواده‌ها آن هم در این هنگام چنین کاری را می‌کنند؟! همیشه می‌توان خانه و کاشانه را رفت و روب کرد، چرا این هنگام؟ چه کسی آنها را وادار به این کار می‌کند؟ و چگونه است که همه از ندار تا دارا دست به این کار می‌زنند و هیچ کس خود را برکنار از این کار نمی‌داند؟ راستی چرا؟ برای این که به این پرسش پاسخی درست داده شود نیاز به آن داریم که اندکی به گذشته‌های خودمان باز گردیم.

ایرانیان باستان هنگام با دیدگاههای ویژه‌ی خودشان- که همه‌اش هم بر پایه‌ی خواستها و اندیشه‌های دینی آنان استوار بود- جشنی بر پا می‌داشتند به نام فروردگان. این جشن همگانی هر سال درست ده روز مانده به سال نو که پنجه‌ی دز دیده (۱) را نیز در بر می‌گرفت آغاز و با بر آمدن سال نو و آغاز جشنهای نوروزی پایان می‌یافت. این جشن

بیشتر آن نیروی درونی یا فرّوشی، کوشش می‌کنند که خانه‌ی خود را هر چه پاک‌تر، چشمگیرتر و زیباتر برای پیشواز از فروشی‌های خانواده بیارند. این کوششها - برای پاکیزگی و آراستن خانه- تنها برای یکتن که بانوی خانه باشد نیست که برای همه و تک‌تک آنهاست؛ از کوچک و بزرگ. باید همه در این برنامه همکاری داشته باشند تا آن نیروی درونی برای همه‌ی آنها آرزوی بهبودی، تندرستی و پیشرفت کند چون آرزوی نیروی درونی، چنانچه همه چیز درست، پاکیزه و درخشان باشد، بی‌گمان برای آن خانواده برآورده خواهد شد.

این نیروی درونی همان‌گونه که پیشتر گفته شد؛ فروشی نام دارد. فروشی یکی از پنج نیروی درونی آدمیان است (۴)، که امروزه آن را در فرهنگ‌ها نیز به سادگی می‌توانیم بیابیم. واژه‌ی فروردگان یا جشن فروردگان نیز از واژه‌ی فروشی بر آمده است. در زبان پهلوی به فرودگان فرورتیکان می‌گویند. این نامگذاری نیز تنها برای پیوستگی آن است با فروشی یا نیروی درونی. در نوشته‌های پهلوی به آن فروهر و در پارسی باستان فرورتی و در پازند و پارسی به گونه‌های؛ فرورتی، فروهر، فرورد و فرور آمده است و نام فروردین نیز از همین ریشه است. همچنین نام برخی از ایرانیان در زمان باستان. مانند فرا اورتس (۵) یا فرورتی که در تاریخ ماد و هخامنشی با آن برخورد داشته، خواهیم داشت.

پایگاه فروشی در آیین زرتشت به اندازه‌ی بلند و بالاست که نه تنها در جای‌جای اوستا با آن روبه‌رو هستیم که سیزدهمین‌یشت اوستا نیز که از پر آوازه‌ترین بخشهای اوستاست، نام فروردین‌یشت را بر خود دارد.

نیروی درونی را برخی روان آدمیان دانسته‌اند که برداشت، نادرستی است. برخی نیز آن را نیروی با لندگی (قوه نامیه= رشد و نمو) یا نیروی خورش (قوه غاذیه = غذا) خوانده و نوشته‌اند. بسیاری از زبان شناسان نیز آن را نیروی پشتوان و پناه نیکوکاران گفته‌اند و برخی هم آن را نیروی ایمان دانسته‌اند. به هر روی، هرچه باشد واژه‌ی فرور، پرورش، پروردن یا پروراندن نیز که امروزه می‌گوییم، همه از همین ریشه برآمده است. همان چیزی که می‌تواند ما را با پاکیزگی و نیک کرداری در همه‌ی زمینه‌ها بار آورد و بپرورداند تا با کوشش در راه نیکی‌ها خود را به پروردگار خود هر چه بیشتر نزدیک گردانیم.

در زمان باستان، جشن فروردگان را تا آنجا بزرگ می‌داشتند که پادشاهان و بزرگان کشوری و لشگری، دین مردان همه و همه می‌بایستی دستورها و آیین‌های آن را به درستی به جای آورند و به آن بپردازند. دارمستتر (۶) در

پژوهش «زند و اوستا» رویه‌ی ۵۰۳ می‌نویسد: «... انوشیروان سفیر رم فرستاده‌ی ژوستینیان را در مدت ده روز جشن فرودگان به حضور نپذیرفت و سرگرم اجرای تشریفات جشن مذکور شد...» (۷)

زرتشتیان امروز نیز همچون روزگار گذشته؛ در این ده روز که همان دهر روز جشن فروردگان باشد، خانه‌های خود را پاک می‌کنند، بویهای خوش در همه‌ی خانه می‌پراکنند و جامه‌های نو و زیبا می‌پوشند و گل و شیرینی و نوشیدنیهای گوناگون درخانه آماده می‌کنند و نماز ویژه‌ی آن روز را می‌خوانند و خوانچه‌ی هفت سین می‌چینند که نشانه‌ی هفت امشاسپند است تا آن هنگام که فروشی‌ها به خانه‌ها و زیستگاههای دیرین خود، برای دیدار خانواده، کسان و نزدیکان آن در گذشتگان می‌آیند؛ ببینند که جایگاه آنان هنوز همچنان گذشته‌ها پاک و به دور از آلودگیهاست.

والایی جایگاه جشن فروردگان در نزد زرتشتیان به اندازه‌ی بوده که برخی به گمان افتاده و چنین پنداشته‌اند که شاید جشن نوروز هم همان جشن فروردگان است! که به هیچ روی درست نیست. این گمان و پندار بیشتر برای آن پیش آمده است که؛ دیده‌اند جشن فروردگان تا نخستین روز فروردین‌ماه یا بر جامی‌ماند، یا چیزهای دیگری همچون چیدن خوانچه‌ی هفت‌سین و...و... آنها را دودل ساخته که نکند این جشن همان نوروز است جز که جشن فروردگان، همان جشن فروردگان است که از ده روز پیش از نوروز آغاز و با فرا رسیدن نوروز پایان می‌یابد. جشن فروردگان جشن خانه‌تکانی است، جشن پاک‌سازی است از درون و برون تا همه بتوانند در سال نو در کنار هم با پاکی و مهربانی و دوستی زندگی تازه و نوی را آغان کنند. امید آنکه همه‌ی ما همواره از درون و برون پاک و بی آلودگیها باشیم. ایدون باد.

زیرنویسها

۱- خمسه‌ی مستترقه: پنجه‌ی دزدیده. «... پنج روز گاهنبار است که آن پنج روزتر؟! رفته است که دزدیده خواند... پنج گاه‌گاهانی است که پنجه‌ی نیکو خواند. (بن دهش. بازگردانی و پژوهش مهرداد بهار). آخرین پنج روز سال نخستین فروردگان و پنج روز خمسه‌ی مستترقه یا دزدیده دومین فروردگان است. (دیدگاه ابوریحان بیرونی)

۲- فروشی Faravashi نیروی درونی

۳- این نیرو (فروهر) را آفریدگار در همه‌ی آفریدگان از آب و آتش و گیاه و جانوران سودمند گرفته تا هر چه که بشود به آن اندیشید و هیچ چیز بی فروهر یا فروشی نشده است. (بر گرفته از گزارش یشت‌ها از زنده یاد ابراهیم پور داود).

۴- این پنج نیرو اینها هستند: ۱- اهو: تن ۲- دنا: جان ۳- بنوده: نیروی دریافت و هوش ۴- اورون urvan: روان ۵- فروشی

۵- فرا اورتس pharaortes پدر (یا سر دودمان پادشاهان ماد)

۶- دارمستتر darmesteter James ایران‌شناس فرانسوی (۱۸۴۶-۱۸۹۴) با نوشته‌ها و پژوهشهای بسیار در زمینه‌ی واژه‌ها و دستور زبانهای ایرانی و...و...

۷- برگرفته از گاه شماری ... پژوهش زنده یاد دکتر صفا استاد دانشگاه تهران.